

• دریافت ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

• تأیید ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

بررسی چکامه‌های نزار قبانی در پرتو مفهوم بحران هویت

عزت ملاابراهیمی*

مجتبی سلمان نیا**

میثم کریمی عنایت***

چکیده

هویت، انگاره‌ای شخصیتی و ذهنی است که فرد در واکنش به پرسش «کیستی و جیستی» زیست خود ارائه می‌دهد. این مفهوم در بستر جامعه، شخص را به تفکر درباره شناخت شخصیت خویش وادار می‌کند و سبب می‌شود تصویری از کیفیت و کمیت شعور، کردار و رفتار خود به نمایش بگذارد. این مقوله باعث می‌شود که انسان با تأثیرپذیری از مسائل روحی و روانی خود و جامعه، درک بهتری نسبت به شرایط مختلف داشته باشد. هویت در بادی امر از جمله ریشه‌ای‌ترین مضامین فرهنگی - شخصیتی به شمار می‌رود که با توجه به انواع گوناگون آن می‌تواند در معرض آسیب قرار گیرد و بحران‌هایی را برای شخص و اجتماع به بار آورد. در جهان معاصر عرب، وقوع تحولات و حوادث مهم در جامعه، هویت فرد عربی را با تعارضاتی روبرو کرده و آسیب‌هایی را برای او به همراه آورده است که بحران هویت یکی از پیامدهای ناگوار آن است. نزار قبانی از جمله بزرگ‌ترین شاعران عرب است که این پدیده در گستره شعری او آشکار گشته‌است. آنچه در این تحقیق اهمیت دارد، درک این مسئله است که چه عواملی در اندیشه قبانی زمینه‌ساز ایجاد بحران هویت و سرگشتگی در انسان و پیکره جهان عرب و زبونی آنان در میان جهانیان شده است. در این راستا هدف نویسندگان از نگارش پژوهش پیش‌رو این است که با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ابعاد مختلف این بحران (فردی - ملی - قومی) در اشعار این شاعر و همچنین نحوه نگرش وی به این موضوع بپردازند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که عوامل زیر در ایجاد بحران هویت قومی و ملی در سروده‌های این شاعر نقش اساسی دارد: ۱- فضای نابسامان و پر تنش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ۲- ناسازگاری میان منافع نظام سلطه و فرد، ۳- مبتلا شدن اعراب به بحران هویت فردی (نزار شعر خود را شناسنامه و هویت خویش معرفی می‌کند که به کمک آن در پی احیای هویت اصیل عرب‌هاست)، ۴- بی‌کفایتی، انفعال و ناکارآمدی سران عرب و شکست آنان از اسرائیل و رخنه‌ی بیگانگان به خاک این کشورها، ۵- مشکلات اقتصادی، ۶- تنش، سرگردانی و از بین رفتن عظمت گذشته اعراب و نمادهای قومی آنان.

واژگان کلیدی: بحران هویت، جهان معاصر عرب، تعارض، خودباختگی، نزار قبانی.

mebrahim@ut.ac.ir

* استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

salmanniamojtaba@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

meisamkarami.76@ut.ac.ir

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۱. مقدمه

هویت و مسائل مرتبط با آن از جمله موضوعاتی است که به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مقوله‌ها همواره مورد بحث بوده‌است و حیات دغدغه‌ هویتی به درازای تاریخ بشریت است. هویت، معنایی در مقابل پرسش از چیستی یک شیء یا انسان است. در این تعریف، معنای این واژه، به مفهوم ماهیت بسیار نزدیک است. (کچویان، ۱۳۹۲: ۱۷)

از دیرباز آدمیان در پی کشف و شناخت خود، قوم و ملیت خویش بوده‌اند تا با مجموعه ویژگی‌های رفتاری، خود را از دیگران بازشناسند. هویت اصطلاحاً مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. (نجفی، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۵) انسان با فهم از چیستی و کیستی خود می‌تواند هم به خویش موجودیت بخشد و هم به سوی تکامل گام بردارد. برآورده شدن این نیاز سبب «خودآگاهی» فردی در انسان می‌شود و ارضای آن در میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا «هویت» قومی، تیره‌ای یا ملی آن گروه را تعیین می‌کند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۶، الف: ۱۴۵) بر اساس چگونگی حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها، پرسش‌هایی پیرامون شناخت آنان به وجود می‌آید که هویت، پاسخی آگاهانه به این‌گونه پرسش‌هاست. طبعاً این پدیده همواره با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییر قرار گرفته‌است. زمانی که انسان‌ها بر اثر تحولات مختلف از سنت خویش دوری جستند، مسئله بحران هویت مطرح گردید؛ زیرا احساس نوعی آشفتگی در شناخت حقیقت وجودی خود به آنان دست داد. بحران را می‌توان موقعیت "situation" یا ظرف "circumstance" خاصی دانست که بر اثر آن گروه قومی مورد نظر به سبب شرایط خاص تاریخی و یا نوظهور از شناخت دقیق حقیقت وجودی و حقوقی خود و شناساندن آن به دیگران باز می‌ماند. (الطائی، ۱۳۸۲، الف: ۱۵۸-۱۵۷)

برخی از کشورهای عربی به دلیل شرایط جغرافیایی مناسب و بهره‌مندی از منابع کلان و از جانب دیگر به سبب عدم کفایت سیاسی حکام، مورد توجه استعمارگران و قدرت‌های بیگانه قرار گرفته‌اند که مجموعه این عوامل واپس ماندگی امت عرب را در میان سایر ملت‌ها به وجود آورده است. بحران هویت پدیده‌ای جامعه شناختی است که در ادبیات تأثیر بسیار نهاده و کلک شاعران بیدار، انواع مختلف این بحران را به تصویر کشیده است. نزار قبانی که امروزه او را بیشتر به واسطه اشعار عاشقانه‌اش می‌شناسند، در سروده‌های خود رسالتی مبتنی بر آگاهی بخشی و رهایی انسان زمانه خویش از چنگال استبداد و استعمار بر دوش می‌کشید و به نیکی شرایط نابسامان و دیکتاتورزده جهان معاصر عرب را درک کرده و شاهد بر لگدمال شدن هویت فردی و نفی حق آدمی حتی از این که خودش باشد، بود. همچنین این شاعر طغیانگر در بعد ملی نیز به دلیل عدم شایستگی حاکمان و انفعال آنان و از سوی دیگر تاخت و تاز و اشغال برخی سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل در ۱۹۶۷ م. که به دنبال آن ایجاد تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را رقم زد، ناظر بر ذلت سرزمین و هویت و شناسنامه مردمان بوده است و در بعد قومی، فروپاشی کبریای گذشته و زیرپا نهادن نمادهای قومی عرب و فرورفتن در جهل، جملگی عوامل مهمی هستند که به پنداشت نزار هویت قومی اعراب را با بحران مواجه ساخته و زمینه‌ساز تحقیر شدید اعراب توسط مستبدان و استثمارگران شده است.

بنابراین بیان شد، در این مقاله سعی بر آن شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی از ورای کلمات، به بررسی ابعاد گوناگون بحران هویت و درک نوع دیدگاه نزار قبانی به این معضل پرداخته شود.

۱.۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

آنچه باعث گردیده در این پژوهش به بررسی ابعاد گوناگون بحران هویت - که غالباً

کشورهای جهان سوم و به خصوص جهان معاصر عرب را فراگرفته- در شعر نزار قبانی پرداخته شود، اهمیت این مسئله است که تحولات سیاسی و اجتماعی و اوضاع نابسامان جامعه با مسئله هویت در جهان معاصر عرب گره خورده و آن را دچار بحران کرده است؛ بنابراین پرداختن به موضوع هویت به منظور بقای یک ملت و رشد و توسعه آن از مرتبه بالایی برخوردار است. از آنجا که قبانی در اشعار خود به دنبال دستیابی انسان به کمال است، ضرورت دارد با شناخت عوامل زمینه‌ساز ایجاد بحران هویت در دیدگاه این شاعر که آدمی را از اصل خویش دور ساخته و باعث فروپاشی هویت ملی و قومی اعراب در سطح بین‌المللی شده است، امکان شکل‌گیری بحران هویت چه در بعد فردی و چه جمعی به وجود نیاید و ژرف‌اندیشان را با نحوه نگرش این شاعر نسبت به این پدیده و انعکاس آن در ساحت اشعارش آشنا سازد.

۳.۱. سؤالات پژوهش

این پژوهش در صدد جستن پاسخ برای سؤالات زیر است:

- ۱- چه عواملی در شکل‌گیری بحران هویت در ابعاد گوناگون آن در شعر نزار قبانی نقش دارد؟
- ۲- هر یک از این اسباب و عوامل از منظر قبانی چه پیامدهای نامطلوبی را برای انسان و جامعه عرب به همراه آورده است؟

۴.۱. پیشینه پژوهش

پیرامون جنبه‌های مختلف اشعار نزار قبانی تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که به ذکر برخی از این منابع مرتبط با پژوهش پیش‌رو می‌پردازیم:

- مقاله «محاكمه وجدان‌های خفته بشری (در اشعار نزار قبانی)» از مهین حاجی زاده و نسرين چالاک، (۱۳۹۱)، نشریه ادبیات پایداری، سال سوم، شماره ۶.

نویسندگان با به تصویر کشیدن اندیشه‌های حقیقی این شاعر سوری و بازتاب

فلسطین در چکامه‌های او، موضع‌گیری و راهکارهای نزار قبانی در مقابل وجدان‌های خفته را مورد بررسی قرار داده‌اند.

- مقاله «نزار قبانی، تنها، شاعر «زن» نیست (بررسی اشعار سیاسی قبانی)» از محمدجواد مهدوی و ربابه یزدان نژاد، (۱۳۹۱)، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال سوم، شماره ۸. نگارندگان با واکاوی لحن حماسی نزار قبانی به این نتیجه رسیده‌اند که توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی در کنار مسائل مرتبط با عشق و زن از سوی این شاعر آشکار است.

مقاله «پیامدهای استبداد از منظر شعر نزار قبانی» از علی اکبر محسنی، (۱۳۹۲)، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال چهارم، شماره ۱۲. نویسنده در این پژوهش به تحلیل اندیشه سیاسی او پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نزار بیش از هر شاعر سیاسی دیگری توانسته است ویژگی‌های ساختار سیاسی غیردموکراتیک منطقه خاورمیانه عربی را آشکار سازد.

اما پیرامون بحران هویت در شعر شاعران معاصر عرب نیز چند پژوهش انجام شده است که به آنها اشاره می‌شود:

- مقاله «بررسی ابعاد گوناگون بحران هویت از دیدگاه شاعران نوگرای عراق» از معصومه نعمتی قزوینی و همکاران، (۱۳۹۰)، سال دوم، شماره ۴. نویسندگان در این مقاله ضمن درک بحران هویت به عنوان یکی از محورهای مهم اشعار شاعران نوگرای عراق (بدر شاکر السیاب، عبدالوهاب البیاتی، بلندالحیدری و سعدی یوسف) به بررسی میزان و نحوه نگرش این شاعران به جنبه‌های گوناگون آن پرداخته‌اند.

- مقاله «بررسی ابعاد گوناگون بحران هویت در اشعار (عدنان الصائغ)» از حامد صدقی و همکاران، (۱۳۹۴)، مجله پژوهشنامه نقد ادب عربی، دوره ۷، شماره ۱. نگارندگان به بررسی و تحلیل عوامل تشکیل دهنده بحران هویت در بعد فردی و ملی در سروده‌های

این شاعر پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نوع زندگی او و شرایط سیاسی کشور عراق و مهاجرت اجباری شاعر از جمله عوامل ایجاد بحران در وی است.

- مقاله «بررسی تطبیقی هویت در اشعار محمود درویش و سهراب سپهری با تکیه بر دو سروده (سجل انا عربی) و (اهل کاشانم)» از علی خضری و خلیل حمداوی، (۱۳۹۷)، مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)، سال دهم، شماره ۱. نویسندگان در این جستار با تحلیل فضای سیاسی و اجتماعی دو کشور ایران و فلسطین، به تبیین مفهوم هویت و نکات متفاوت و متشابه در سرودهای دو شاعر توجه کرده‌اند.

با توجه به تحقیقات صورت گرفته تا کنون، در مورد بحران هویت در سروده‌های نزار قبانی پژوهش مستقلی انجام نشده‌است و نویسندگان مقاله برآن شده‌اند تا اشعار این شاعر را از این منظر مورد واکاوی قرار دهند و لذا کوششی جدید در این زمینه باشد.

۲. بررسی ابعاد مختلف هویت و بحران هویت در سروده‌های این شاعر

۱.۲. هویت و بحران هویت فردی

هویت فردی که مباحث اساسی آن در دانش روانشناسی بررسی می‌گردد، عبارت است از نوع افکار، گفتار و کردار و احساسات و بسیاری از عناصر دیگر که با مفهوم شناخت ارتباط دارد؛ بنابراین هویت بدون شناخت خود معنا نمی‌یابد. هنگامی که آدمی دارای هویت فردی مشخصی نباشد که به وسیله آن از دیگران بازشناخته شود، هرگز قادر نخواهد بود علاقه‌ای صحیح با محیط شکل دهد. در این رویکرد وقتی که ما می‌گوییم: «این من هستیم» این من در خلأ شکل نگرفته و با شما متولد نشده‌است. این «من» در ارتباط با دیگری (Other) شکل می‌گیرد، یعنی خود (self) برآیند (me) و (I) است. (افروغ، ۱۳۸۷، الف: ۲۳)

هویت و بحران هویت فردی را که بازتابی از حوادث سیاسی و اجتماعی جامعه نزار در اندرون وی است، می‌توان در موارد زیر مورد بررسی قرار داد:

۱.۱.۲. ناسازگاری در ارتباط «هویت فردی» با هویت بیرونی به نام «رژیم دیکتاتوری»

هویت دارای جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی است و عناصر متفاوتی در تشکیل این سطوح تأثیرگذار هستند. بخشی از این عناصر، بنیادهای هویتی فرد را تشکیل می‌دهند، از این رو، فرد نسبت به آنها حساسیت بیشتری دارد و واکنش آشکارتری نشان می‌دهد؛ تا آنجا که تعرض به آنها را بر نمی‌تابد. (گودرزی، ۱۳۸۴: ۸-۷) جوامعی که در آن آزادی به منظور انجام انتخاب‌های آدمی وجود دارد، متناسب با هویت اوست اما در جوامع دیکتاتورزده هویت فرد تحت سایه هویت نظام ستمگر دچار بحران می‌شود. آنان می‌کوشند تا با سلب و جعل هویت از مردم محروم با ترفندهای سیاسی و فرهنگی از بیدار شدن و آگاه شدن آنان به حقوق خودشان جلوگیری کنند. (رواسانی، ۱۳۸۰، الف: ۱۵)

بر سر جهان معاصر عرب همواره نظام‌های استبدادی سایه افکننده و مردمان را دچار آشفتگی و ابعاد گوناگون بحران کرده‌است. در کنار آسیب‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، بحران هویت یکی از انواع آسیب‌هاست که عوامل دیکتاتور به واسطه ایجاد فضای خفقان و سرکوب نوعی تعارض را میان «هویت فردی» با «نظام سلطه» به وجود می‌آورند که احساس بی‌هویتی و تهی بودن از جمله پیامدهای آن است. سخن اینجاست که تا نخبگان سیاسی یا نظام حاکم مقبولیت «عامه» مردم یا «اکثریت» آنها را کسب نکنند، نمی‌تواند خود را «دمکراتیک» بداند و نظامی که بر مبنای اصول آزادی و مساوات برقرار نگردد، فی حد ذاته منشأ بحران است. (الطائی، ۱۳۸۲، ب: ۱۷۶)

از منظر قبانی مستبدان با سلب آزادی‌های بیان و اندیشه، فرد را از هویت خویش خالی نموده و مطابق با اهداف خود آن را شکل می‌دهند. در سروده‌ای شاعر با توجه به جبر موجود در بیانی کنایی از آدمیان می‌خواهد برای در امان ماندن، هویت خویش را به کلی به دست فراموشی سپرده و آن شکل مطلوب هویت نزد ستمگران را که

انفعال است به خود گیرند. در این راستا قبانی با بهره‌گیری از شیوه‌های تأکید یعنی ضمیر فصل «هو» در سروده خود و همچنین با معرفه آوردن مسند یعنی کلمه «القانون»، چنین ویژگی‌هایی را که در قالب افعال امر و نهی بیان کرده، منحصرًا قوانین مزرعه پرنندگان می‌خواند:

لَا تَرْفَعِ الصَّوْتَ ... فَأَنْتَ آمِنٌ / وَ لَا تُنَاقِشْ أَبَدًا مُسَدَّسًا .. / أَوْ حَاكِمًا فَرْدًا .. / وَ كُنْ
بِلَا لَوْنٍ، وَ لَا طَعْمٍ .. / وَ كُنْ بِلَا رَأْيٍ / وَ لَا قَضِيَّةٍ كُبْرَى .. / هَذَا هُوَ الْقَانُونُ فِي
مَرْزَعَةِ الدَّوَاجِنِ ..^۱ (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۴۰۶)

هویت نظام سلطه که همان جبر و سرکوب است به قدری بر هویت فردی غالب گشته که شاعر آن را همه‌جا می‌یابد و گویی «من» را به فراموشی سپرده و آنچه که تصمیم گیرنده و شناخته شده است، هویت حاکمیت ستمگر است. قبانی این اندوه را با استفاده از تناسب واژگانی چون «غنم و الماشیة» که اشاره به عمق بی‌ارادگی دارد، توصیف می‌کند؛ به گونه‌ای که آدمیان هیچ اختیار و هویت مستقلی در تعیین و ساخت سرنوشت خویش ندارند:

كَانَ هُنَاكَ الْخَوْفُ مِنْ أَمَانَا / وَ الْخَوْفُ مِنْ وَرَائِنَا / وَ صَابِطٌ مُدَجِّجٌ بِخَمْسِ
نَجْمَاتٍ .. / .. يَجْرُئًا مِنْ خَلْفِهِ كَأَنَّا غَنَمٌ / .. وَ أُمَّةٌ تُسَلِّخُ مِثْلَ الْمَاشِيَةِ ..^۲ (همان: ۹۴)

مواجه با «غیر» شرط درک از «خود» است. اما مواجهه‌ای از این نوع، که با شکست و ناتوانی همراه است، با ابهامی که ایجاد می‌کند و با طرح سؤالاتی که گویی شیوه معمول تفکر و فهم نیز از پاسخ بدان عاجز می‌نماید «خود» را دچار مشکل یا مسئله می‌سازد. (کجویان، ۱۳۸۶: ۷۳) نزار نیز به سبب اسیر شدن هویت فردی در چنگال هویت نظام سلطه، در نامگذاری و توصیف هویت و سخن گفتن از خویش در حیرت است. وی با طرح پرسش‌هایی درباره هویت خود و عصری که در آن قرار دارد و با آگاهی از علت‌های آن به منظور تعجب، در واقع با استفاده از صنعت «تجاهل العارف»^۳، بلایایی را که بر سر هویت آدمیان آمده بازگو می‌کند. شاعر با مهارت تمام و با استفاده از استعاره در دو کلمه «قمع و

خوف»، به دنبال آن است تا این هویت غالب خودکامگان را حتی در «أكل و شرب» که از ملزومات حیات بشری هستند، به تصویر بکشد:

كَيْفَ أَصَوَّرُ هَذَا الْعَصْرَ الْأَمْعَقُولَ / نَسِيتُ الْوَصْفَا / .. كَيْفَ نُعَبِّرُ عَنِ أَنْفُسِنَا؟ / إِنَّا
نَأْكُلُ - يَا سَيِّدَتِي - قَمْعًا / إِنَّا نَشْرَبُ - يَا سَيِّدَتِي - خَوْفًا / .. إِنَّ عُبُورَ الشَّارِعِ خَطَرٌ / إِنَّ
رُكُوبَ الْمِصْعَدِ خَطَرٌ ...^۴ (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۱۹۰-۱۸۹)

از آنجا که حاکم، کلامی در اختیار دارد که پیروی بی‌قید و شرط را برمی‌انگیزد، دستوراتش به گونه‌ای تقریباً ماشین‌وار اجرا می‌شود. این گونه، فرد تحت انقیاد، فردی از خودبیگانه است که در خدمت قانون، برنامه و دستور یک حکومت درآمده، حکومتی که در یک شاه- خداوندگار متبلور شده است. (مورن، ۱۳۸۴: ۲۳۲-۲۳۱) در چنین جامعه استبدادزده‌ای در منظر قبانی حاکم خود را در جایگاه خداوندگاری می‌داند که اطاعت از او واجب است و به فرهنگی مبدل گشته که تار و پود وجود آدمی را فراگرفته است و این فرمانبرداری بی‌چون و چرا هویت آنان را تشکیل داده است.

شاعر به منظور تأکید مقصود خود که از زبان حاکم هویت او را با صراحت شرح می‌دهد، از اسالیب مختلفی بهره می‌گیرد؛ از جمله اسلوب ندا که از اهداف آن بیان عجز و ضعف مردمان است؛ چرا که حاکم، القاب مختلفی نظیر سلطان و خداوندگار برای خود برمی‌گزیند و از جانب دیگر با به کار بردن فعل قلبی «رأی» که دلالت بر یقین دارد، این نکته را برجسته‌تر می‌سازد که گویی خود حاکم هم باور کرده است که این هویت شایسته اوست:

أَيُّهَا النَّاسُ: / لَقَدْ أَصْبَحْتُ سُلْطَانًا عَلَيكُمْ / فَاصْبِرُوا أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ ضَلَالٍ، وَ
اعْبُدُونِي .. / .. وَ الزُّمُوا الصَّمْتَ، إِذَا كَلَّمْتُمْ / فَكَلَامِي هُوَ قُرْآنٌ كَرِيمٌ .. / .. مُنْذُ أَنْ
جِئْتُ إِلَى السُّلْطَةِ طِفْلًا .. / لَمْ يَقُلْ لِي مُسْتَشَارُ الْقَصْرِ (كَأَلَا) / .. إِنَّهُمْ قَدْ عَلَّمُونِي أَنْ
أَرَى نَفْسِي إِلَيْهَا / وَ أَرَى الشَّعْبَ مِنَ الشُّرْفَةِ رَمَلًا ...^۵ (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۲۸۸-۲۶۹)

اما نزار نسبت به این تعارضات واکنش نشان می‌دهد و آنها را بر نمی‌تابد و با

عصیان، حاکم خودرأی را مخاطب قرار می‌دهد و هویت فردی و استقلال خویش را به او گوشزد می‌کند. شاعر این بصیرت و هویت خویش را با حرف نفی مستقبل «لن» نشان می‌دهد که هرگز فریفته نخواهد شد و سرانجام با بیان پرسشی از زمان بیداری انسانی که درون وی خاموش گشته، آن هشیاری را دور از نظر می‌داند:

مَتَى يَا سَيِّدِي تَفْهَمُ؟ / .. بِأَنْتَى لَسْتُ وَاحِدَةً كَغَيْرِي مِنْ صَدِيقَاتِكَ / .. بِأَنَّكَ لَنْ تُخَدِّرَنِي .. بِجَاهِكْ أَوْ إِمَارَاتِكَ / .. وَ أَنْ مُنَاخَ أَفْكَارِي غَرِيبٌ عَنِ مُنَاخَاتِكَ / .. مَتَى يَسْتَقِظُ الْإِنْسَانُ فِي ذَاتِكَ؟^۶ (قبانی، د.ت، ج ۱: ۴۴۸-۴۴۵)

بدون تردید شرایط نابسامان سیاسی و جبر حاکمیتی که ماهیت آن اختناق و خودرأیی است، بر هویت فردی تأثیر می‌گذارد؛ هویت فردی که یک احساس آگاهانه از فردیت است و در سایه شرایط حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد و انسان‌ها را نسبت به رویدادها و دگرگون شدن شرایط حیات خود حساس می‌کند.

۲.۱.۲. هویت شاعری

قلم شاعر که بیانگر حالات درونی اوست، در واقع ابزاری برای نمایش هویت فردی وی است. نزار قبانی از همان آغاز سرایش شعر مورد هجمه و نقدهای گوناگون قرار گرفت. در ابتدا بیشتر موضوعات شعری‌اش را مسائل مرتبط با عشق و زن در برمی‌گرفت و به سبب ساختارشکنی در جامعه آن روز عرب مورد انتقاد بود و پس از شکست اعراب از اسرائیل در ۱۹۶۷م. نیز سروده‌های آگاهی‌بخش و سیاسی او چندان به مذاق کسانی که مورد هدف تیر انتقاد وی بودند، خوش نیامد و تهمت‌هایی را برای او به بار آورد. عبدالجبار عباس می‌گوید: «نزار هرگز به صورت جدی و شجاعانه وارد مبارزات سیاسی نشد؛ زیرا وی شاعری لابلالی بود و آنچه در شعر جنسی و غریزی فرورفته بود که این امر وی را از توجه به امور و وظایف دیگرش بازداشته بود.» (محسنی، ۱۳۹۲، الف: ۱۵۱) نتیجه این نگرش‌های منفی به هویت شاعر شاید به

آن سبب باشد که تنها به بخشی از اشعار وی نگریسته شده، چنان که خود نزار نیز درباره منظومه شعری اش چنین می‌گوید: «کسی که می‌خواهد شعر مرا بخواند باید به طور کامل و کلی به جهان شعرم وارد شود. اما آن که به ورود در یکی از اطاقهای این خانه بزرگ اکتفا می‌کند و بقیه اطاقها را فراموش می‌کند، نمی‌خواهم بار دیگر به دیدارم بیاید.» (قبانی، ۱۳۵۶: ۲۰۷) البته در این میان کسانی بودند که با جهت فکری او همراه بوده و به دفاع از وی برخاستند. محمود اسد نیز در این باره می‌افزاید: «من قاطعانه بر این باورم که نقدهای سیاسی‌ای که نزار با جرأت، شهامت و بدون مجامله مطرح ساخته، هیچکس در ادب عربی چه در گذشته و چه در روزگار جدید جرأت طرح آنها را نداشته‌است.» (محسنی، ۱۳۹۲، ب: ۱۵۲-۱۵۱)

نزار شعر خود را هویت خویش می‌داند و آن را گذرنامه سفر خود معرفی می‌کند و درباره آن چنین می‌گوید: «شعر من، عکس رسمی شش در چهار من است که در همه شهرها و مکان‌ها توزیع شده‌است و همه مشخصات و اثر انگشت مرا نیز در خود دارد.» (فرزاد، ۱۳۸۰: ۷۳)

قبانی در معرفی هویت خود در چکامه‌ای با عنوان «من انا؟»، عباراتی را می‌آورد که در تقابل با یکدیگر هستند و در آن هویت روزگار و اوضاع تباہ جهان معاصر عرب را در برابر هویت شعری خود، پیوسته در میدان کارزار می‌بیند:

أَنَا شَاعِرٌ مَزْرُوعٌ كَالرَّمْحِ فِي الزَّمَنِ الْعَرَبِيِّ / أَنَا أَدْمِيه ... وَ هُوَ يُدْمِينِي / أَنَا أَحَاوِلُ
تَغْيِيرَ إِيقَاعِهِ، وَ هُوَ يُحَاوِلُ تَغْيِيرَ صَوْتِي .. / أَنَا أَحَاوِلُ أَنْ أَفْضَحَهُ، وَ هُوَ يُحَاوِلُ اسْتِئْصَالَ
حَنْجَرَتِي ... / أَنَا أَحَاوِلُ تَحْدِيه .. هُوَ يُحَاوِلُ رَشْوَتِي ...^۷ (قبانی، ۱۹۹۳، ج ۸: ۶۷)

نزار خطاب به کسانی که سعی در ناپدید کردن هویت شاعری او دارند، می‌گوید هرگز قادر نخواهند بود اندیشه روشن و کلماتش را که مانند گلوله آتشی بر قلب مستبدان می‌نشینند، بی‌فروغ کنند. او با بهره‌جویی از صنعت «تجريد»^۸ از دل سخن خود و کلمه شاعر، نزار آگاه و بزرگ منشی را بیرون می‌کشد که هویت جعلی و ستمگر

حاکمان را متزلزل خواهد ساخت:

سَرَقُوا جِبري، و أوزاقي، و لم .. / يسرقوا النَّارَ الَّتِي تَحْتَ جَبِينِي / إِنِّي أَسْكُنُ فِي
ذَاكِرَةِ الشَّعْبِ .. / .. آه .. كم هم أغيبياء / حين ظنوا أنهم / يقتلون الشعر إن هم قتلوني
/ .. فتأكدت بآني / .. شاعرٌ يرعب دولةً / .. إنهم يدؤون أن الشعر عندي .. هو فنُّ
الكبرياء ... (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۲۹۵-۲۹۰)

هنر شعر نزد قبانی اهداف بزرگ‌تری را دنبال می‌کند و با پیوند زدن هویت خود با هویت شعری‌اش، آن را یکی از مؤلفه‌های شناختی خود می‌نامد که به کمک این زبان، پرتو اندیشه و آرمان‌ها و دغدغه‌های والای خویش را به دیگران منتقل می‌کند. شاعر در قصیده‌ای از روزگاری سخن به میان می‌آورد که با استفاده از «لای نفی جنس» به طور صریح بر نفی فراگیر آن تأکید می‌کند که هیچ زمانه‌ای چنین ناخوشایند وجود ندارد و به جدال با آن برخاسته است و بارها بر هویت شعری مبارز و آگاه خود تأکید می‌کند:

مَا كَانَ شِعْرِي لِعَبَّةَ عَبَثِيَّةٍ / .. إِنِّي أَقُولُ الشَّعْرَ .. / .. لِأَعْرِفَ مَنْ أَنَا ... / .. إِنَّ الشَّعْرَ
يَجْعَلُ كُلَّ حُلْمٍ مُمَكِّنًا / .. يَا سَادَتِي: قَاتَلْتُ عَصْرًا لَا مَثِيلَ لِقَبْحِهِ / يَا سَادَتِي: / عَفْوًا إِذَا
أَقْلَقْتُمْ / هَذَا أَنَا .. / هَذَا أَنَا ...^{۱۰} (همان: ۳۲۹-۳۳۲)

قبانی از سرزمینی سخن به میان می‌آورد که جملگی ارزش‌ها در آن دچار فروپاشی شده‌اند. شاعر در قصیده «إلى أين يذهب موتي الوطن» با منفی‌انگاری هویت گذشته عربی بیان می‌دارد که هیچ نشانی از حکمت، عزت، معنویت و فرهنگ و تاریخ گذشته آنان نمانده‌است. (بهرروزی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۷) نزار از طریق زبان گویای خود، شعر خود را در راه مبارزه و خاتمه دادن به این روزگار واپس مانده می‌سراید؛ گویی که همه دچار بحران هویت شده‌اند و تنها شعرش باقی مانده‌است که آن را در پی برانگیختن و احیای هویت آدمیان به کار بسته‌است:

بِلَادٍ .. / فَلَا مِنْ حَكِيمٍ .. / وَلَا مِنْ نَبِيٍّ .. / وَلَا مِنْ كِتَابٍ .. / .. بِهَا الشَّعْبُ يَأْخُذُ

شَكَلَ الدُّبَابِ .. / أَحَاوِلُ بِالشَّعْرِ .. / إِنهَاءَ عَصْرِ التَّخْلُفِ ، / حَتَّى أُوَسَّسَ عَصْرًا جَدِيدًا /
 .. أَحَاوِلُ بِالشَّعْرِ .. / تَفْجِيرَ عَصْرِ / وَ تَغْيِيرَ كَوْنٍ ...^{۱۱} (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۶۰۷-۵۹۴)

۲.۲. هویت و بحران هویت ملی و قومی

آغاز هویت از «من» است و به بعد جمعی ختم می‌شود و از درک آزادی فردی تا احساس وابستگی اجتماعی امتداد می‌یابد. «هویت ملی و قومی از انواع هویت جمعی و به معنای احساس همسبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و قومی و احساس وفاداری به آن است. هویت ملی و قومی در کشاکش تصور "ما" از "دیگران" شکل می‌گیرد.» (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۳) «هویت قومی که از دوران پیش از تاریخ همچنان تداوم داشته‌است، ریشه در احساس تعلق به طایفه و تیره و قبیله و قوم ایل دارد اما هویت ملی در حالی که با هویت قومی بستگی‌هایی دارد، از پدیدارهای تاریخی عصر جدید است.» (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۲) انسان‌ها در کنار هویت فردی خود، دارای هویت جمعی هستند که هویت ملی همان احساس تعلق به اجتماع و کل جامعه است. اسباب گوناگون نظیر عوامل قومی، جغرافیایی، زبانی، آداب و رسوم و ... در شکل‌گیری هویت ملی در گذر دوره‌های طولانی نقش دارند. «اگر مردم یک کشور را به عنوان سلول‌های وجود آن در نظر گیریم، بی‌تردید ترکیب‌های اجتماعی و اداری ارگان‌های بدن آن کشور است و آنچه از «هویت» و ملیت می‌شناسیم به منزله روح خواهد بود.» (مجتهدزاده، ۱۳۸۶، ب: ۱۲۳) بدون شک مسئله پاسداری از هویت ملی به منزله روح این موجود در جهت حفظ و بقای یک ملت و نسل‌های بعد آن به ویژه در کشورهایی که مورد تاخت و تازهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واقع شده‌اند اهمیت بسیاری دارد. بحران هویتی وقتی پیش می‌آید که این جهان‌بینی در معرض تغییر و تبدل واقع شود و فرهنگ و تمدنی «غیری» بخواهد در آن رسوخ کند، جهت‌گیری به آن بدهد و ماهیتی متفاوت از آن برداشت کند. (نجفی، ۱۳۸۶: ۲۷)

در جهان معاصر عرب به دلیل وقوع حوادث و هجمله‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، هویت از سطح فردی گذر کرده و جنبه ملی آن را مورد توجه قرار داده‌است. نزار قبانی ملیت خویش را محدود به مرزهای جغرافیایی کشور خود یعنی سوریه نمی‌کند، بلکه فراتر از آن رفته و سرتاسر جهان عرب را به عنوان هویت ملی خود معرفی می‌کند.

وی در قصیده «لماذا يسقط مُتَعَبٌ بنِ تَعَبانِ في امتحانِ حقوقِ الإنسان؟» از مردمانی می‌سراید که از وطن و هویت خویش به سبب پریشان حالی اوضاع سیاسی و ناکارآمدی حاکمان، آواره و رانده شده هستند و با انتخاب مجموعه واژگانی که این بی‌هویتی را برملا می‌سازد، نظیر: «بی وطن، دنبال کننده، مسافر و...» این اندوه را منتقل می‌کند. شاعر همچنین با نکره آوردن کلمه «أحد» در سیاق نفی که افاده عموم می‌کند، فاجعه بحران هویتی را اظهار می‌کند که گریبانگیر اعراب شده‌است، به گونه‌ای که هیچ کسی خواهان پذیرش آنان نیست و آگاهانه با تکرار فعل «ضیعوا» به این مصیبت تأکید خاصی می‌بخشد:

مُؤَاطِنُونَ .. دُونَمَا وَطَنِ / مُطَارِدُونَ كَالْعَصَافِيرِ عَلَى خَرَاطِطِ الزَّمَنِ .. / نَبَحَتْ عَن قَبِيلَةٍ تَقْبَلُنَا / .. وَ عَن سَكَنِ / .. وَ حَوْلَنَا أَوْلَادُنَا / .. وَ هُمْ يُفْتَشُونَ فِي مَعَاجِمِ الْقَدِيمَةِ / عَن جَنَّةٍ نَضِيرَةٍ / .. تُدْعَى الْوَطَنُ / .. لَا أَحَدٌ يُرِيدُنَا / .. مُسَافِرُونَ خَارِجَ الزَّمَانِ وَ الْمَكَانِ / .. وَ ضَيَعُوا مَتَاعَهُمْ، وَ ضَيَعُوا أَبْنَاءَهُمْ / وَ ضَيَعُوا أَسْمَاءَهُمْ، وَ ضَيَعُوا انْتِمَاءَهُمْ ...^{۱۲} (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۱۱۴-۱۰۰)

بحران هویت ملی می‌تواند معلول عوامل مختلف نظیر جنگ‌ها و حوادث ناگوار و نفوذ بیگانگان در یک جامعه به وقوع پیوندد و دخیل در سرنوشت یک ملت و آینده آن باشد. قبانی خطاب به کودکان که نسل روشنی‌بخش و مایه امید در تحول تیره‌بختی‌های جهان عرب هستند، خود صهیونیست‌ها را بی‌هویتی معرفی می‌کند که در میان سکوت دیگران و با پشتیبانی آمریکا، قسمت‌هایی از اراضی کشورهای عربی

را اشغال کرده و با تحمیل فرهنگ خود به این دولت‌ها، هویت ملی آنان را به چالش کشیده‌اند. شاعر با مقدم ساختن اسباب تلخ پدیدآورنده بحران هویت در میان اعراب از کودکان می‌خواهد این زمانه ناگوار را مقابل دیدگان خود قرار دهند و با طرح سؤالی درباره اعتبار این خاک و هویت در جهت تشویق و ایجاد انگیزش در آنان برمی‌آید؛ چرا که نبردی در انتظار آنان است برای پس گرفتن سرزمین مقدس و هویت خویش:

أَكْتَبُ لِلصَّغَارِ .. / .. الطَّاعُونَ وَ الْيَهُودِ .. / كَانُوا خَلِيطًا مِنْ سَقَاطَةِ الشُّعُوبِ .. / ..
جَاؤُوا إِلَى مَوَطِنِنَا الصَّغِيرِ / فَلَطَّخُوا تُرَابَنَا .. / وَأَعْدَمُوا نِسَاءَنَا .. / .. وَ لَا تَزَالُ الْأُمَمُ
الْمَتَّحِدَةُ / .. يَبْحَثُ فِي حُرِّيَةِ الشُّعُوبِ / فَلْيَذْكُرِ الصَّغَارُ / .. حِكَايَةَ الْأَرْضِ الَّتِي
صَيَّعَهَا الْكِبَارُ / .. / .. وَ اشْتَعَلَتْ فِي الْوَدَى كَرَامَةُ التُّرَابِ / فَصَاحَ فِيهِمْ: إِذْهَبُوا إِلَى
الْجَحِيمِ / لَنْ تَسْلُبُوا أَرْضِي يَا سُلَالَةَ الْكِلَابِ / فَلْيَذْكُرِ الصَّغَارُ / .. مَا قِيَمَةُ التُّرَابِ / لِأَنَّ
فِي أَنْتِظَارِهِمْ مَعْرَكَةَ التُّرَابِ ...^{۱۳} (قبانی، د.ت، ج ۳: ۲۷-۳۸)

در اندیشه نزار جملگی کشورهای عربی تارهای درهم تنیده‌ای هستند که جامعه هویت ملی آنان را تشکیل می‌دهند. شاعر با هنر تصویرگرایی و با ترسیم گستردگی آفاق و پیکره جهان عرب در روزگار گذشته، از دست رفتن این سرزمین‌ها را به منزله هویت جهان عربی برابر دیدگان انسان‌ها صورتگری می‌کند و با ذکر نام شهرها و کشورها و با تکنیک «جمالیات المكان» به گونه‌ای می‌خواهد هویت این سرزمین‌ها را برای آیندگان جاودانه سازد. قدرت واقعی زیبایی‌شناسی مکان در شعر مدرن عرضه یک تصویر شعری به روشی متفاوت از شیوه‌ای است که هرگونه زیبایی‌شناسی دیگری آن را ارائه می‌کند. فلسفه مکان زیبایی خود را در شعر از طریق تأثیر بین حکمت خود و فلسفه عصر به وجود می‌آورد. (مرتضی حسین علی، ۲۰۱۶: ۱۲) مکان‌ها نمایانگر قسمتی از ابعاد هویتی آدمیان به عنوان ظرف عواطف و احساسات و خاطرات آنان هستند و خود را گره خورده به آن می‌یابند. هر مکانی بار تاریخی و دینی و حافظه گروهی خود را دارد و هر میزان بحران هویت در جامعه بیشتر و احساس از دست

دادن وطن عمیق‌تر شود و به اندازه‌ای که شاعران بیشتر احساس جدایی از خویش و غریبی در سرزمین خود کنند، ارتباط آنان با شخصیت محکم‌تر می‌شود و کوشش آنان در ساختن شهرهای خیالی یا تصویر وطن‌های رؤیایی از لابه‌لای تاریخ به وسیله زبان شدت می‌گیرد. (لیلی و نبیله، ۲۰۱۹: ۴۷-۴۶)

سَقَطَتْ غَرَائِطُهُ / لِلْمَرَّةِ الْخَمْسِينَ، مِنْ أَيْدِي الْعَرَبِ / سَقَطَ التَّارِيخُ مِنْ أَيْدِي الْعَرَبِ / ... سَقَطَتْ حِطَّيْنُ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ / سَقَطَتْ عَمُورِيَّةٌ / .. تَرَكُوا عَلْبَةَ سَرْدِينِ بِأَيْدِينَا / تُسَمَّى (غَزَّةً) / عَظْمَةٌ يَابِسَةٌ تُدْعَى (أَرِيحًا) / .. فُنْدُقًا يُدْعَى فِلَسْطِينُ / .. بَعْدَ خَمْسِينَ سَنَةً / .. نَجْلِسُ الْآنَ - عَلَى الْأَرْضِ الْخَرْابِ / مَا لَنَا مَأْوَى / كَأَلْفِ الْكِلَابِ / بَعْدَ خَمْسِينَ سَنَةً / مَا وَجَدْنَا وَطَنًا نَسْكُنُهُ إِلَّا السَّرَابَ ...^{۱۴} (قبانی، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۷)

به دلیل اشغال برخی از سرزمین‌های کشورهای عربی به دست متجاوزان و فلسطینی که درد اشغال و زخم وقاحت اسرائیل در غصب و تجاوز و کشتار در سایه سکوت معنادار سران نالایق عرب بر پیکره آن برجا مانده‌است، قبانی این سردرگمی و بحران را چنین توصیف می‌کند که سال‌هاست به دنبال هویت ملی خود می‌گردد؛ چرا که هویت فلسطین دچار بحران شده‌است، فلسطینی که پس از رویداد نکبت بار ۱۹۴۸م با تکیه بر مفاهیمی چون انتفاضه و مقاومت و سرزمین مقدس در اندیشه شاعران بیدار معاصر و نزار قبانی به منزله هویت ملی اعراب تلقی گردید. به باور میشل مایلشتاین فلسطینی‌ها خاطره نکبت را نه چون خاطره‌ای در گذشته که بلکه همچون رویدادی زنده و ادامه‌دار تلقی می‌کنند که چند نسل فلسطینی را از مناطق مختلف جغرافیایی به هم پیوند می‌زد در بستر چنین فضایی است که به تدریج عوامل مختلف سبب می‌شوند که جامعه فلسطین به سوی هویت مقاومتی چرخش کند. (روحانی، ۱۳۹۸: ۳۷)

عِشْرُونَ عَامًا .. وَ أَنَا / .. أُبَحِّثُ عَنْ أَرْضٍ وَ عَنْ هُوِيَّةٍ / أُبَحِّثُ عَنْ بَيْتِي الَّذِي هُنَاكَ / عَنْ وَطَنِي الْمَحَاطِ بِالْأَسْلَاقِ ...^{۱۵} (قبانی، دت، ج ۳: ۳۲۸)

اما نزار قبانی شاعر میهن‌پرست عرب با تکیه بر هویت اصیل و آمال‌های مقدس اعراب بارها به متخاصمانی که در پی هجوم و تعرض به آنان هستند می‌تازد و به آنان هشدار می‌دهد که بر سر هویت خود؛ یعنی سرزمین که منشأ هویت آنان است، باقی خواهند ماند. قبانی با استفاده از صنعت «تلمیح» به داستان جنگ آمریکایی‌ها با سرخپوستان اشاره می‌کند که به جنایت و نسل‌کشی آنان پرداختند اما شاعر با آگاهی این سودای خام نابود ساختن ملت و هویت عرب را دور می‌خواند و خط بطلانی همیشگی بر آن می‌کشد:

لَنْ تَجْعَلُوا مِن شَعْبِنَا / شَعْبَ هُنُودٍ حُمُرٍ // فَتَحْنُ بَأْفُونَ هُنَا // فَهَذِهِ بِلَادُنَا // ..
 فِيهَا لَعِبْنَا // .. مُشْرَشُونَ نَحْنُ فِي تَارِيخِهَا // فَتَحْنُ فِي كُلِّ الْمَطَارَاتِ // .. وَ فِي كُلِّ
 بِطَاقَاتِ السَّفَرِ // .. وَ جَاءَ فِي كِتَابِهِ تَعَالَى: / بِأَنَّكُمْ مِنْ مِصْرَ تَخْرُجُونَ / .. زِدْنَا عَلَيَّ مَا
 قَالَهُ تَعَالَى، سَطْرَيْنِ آخَرَيْنِ: / .. «وَمِنْ ذُرَى الْجَوْلَانِ تَخْرُجُونَ ..» / «وَصَفَّةِ الْأُرْدُنِ
 تَخْرُجُونَ ..»^{۱۶} (همان: ۱۸۵-۱۶۷)

اگر در جامعه‌ای از هویت ملی سخن به میان آید تنها اندیشه و مسائل مرتبط با آفاق سیاسی آن مورد نظر نیست، بلکه فرهنگ مادی آن را نیز در برمی‌گیرد. نقش و اهمیت فرهنگ مادی (روابط اقتصادی - تعلق طبقاتی و آگاهی طبقاتی) در ترکیب هویت ملی قدر و میزان ثابتی نیست و بر اثر تغییر شرایط اقتصادی تغییر می‌کند. در چنین وضعی نوعی آشفتگی و تزلزل و بحران در هویت ملی ظهور می‌کند. (رواسانی، ۱۳۸۰، ب: ۲۶)

قبانی در قصیده «**خبز و حشیش و قمر**» پریشان حالی اوضاع اقتصادی اعراب را در ضمن چنین عباراتی تشریح می‌کند:

فَالْمَلَايِينُ الَّتِي تَرَكُّضُ مِنْ غَيْرِ نِعَالٍ / .. الْمَلَايِينُ الَّتِي لَا تَلْتَقِي بِالْخُبْزِ إِلَّا فِي
 الْخَيَالِ / وَ الَّتِي تَسْكُنُ فِي اللَّيْلِ يُبُوتاً مِنْ سُعَالٍ / أَبْدَأَ مَا عَرَفْتَ شَكْلَ الدَّوَاءِ ..^{۱۷}
 (قبانی، د.ت، ج ۳: ۲۳)

هویت دارای ماهیتی اجتماعی است که از پس این سخن هویت قومی بیرون کشیده خواهد شد. قومی که با عناصر فرهنگی، التزام به یک وطن و سرزمین مشخص، اسطوره‌ها و حکایت‌های نیاکان مشترک معنا می‌یابد. هویت قومی را بر بنیاد شناسه‌های فرهنگی مانند: زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌کنند که با آن افراد با تمام یا برخی جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۹) پس از تجزیه پیکره جهان عرب توسط اسرائیل و انفعال سران عرب در برابر مسائل دردناک جامعه خویش، نزار نیز فروپاشیدن نمادهای قومی اعراب را به عنوان علت دیگر بحران هویتی معرفی می‌کند.

متن‌بی از شاعران بزرگ جهان عرب است که قریحه سرایش شعری از کودکی به همراه وی بوده‌است و به واسطه مناعت طبع و شرافت نفسی که داشته، در عهد معاصر هنگامی که هویت قومی اعراب دچار بحران گشته، شایسته‌ترین مصداق برای نمایش اعتماد به نفس و هویت آنان بوده‌است. متن‌بی روح همیشه حاضر و بیدار در ادبیات عربی است که همواره دستمایه شعر شاعران عرب قرار گرفته تا بزرگی و خودباوری از دست رفته خویش را در آن بجویند و دمی مسیحایی در کالبد نیمه‌جان هویت متزلزل خویش بدمند تا شاید روزی این نفس‌ها کارگر افتند و حال جهان عرب به از این گردد. (حسینی، ۱۳۹۴) نزار قبانی نیز با فراخوانی شخصیت متن‌بی به عنوان یکی از نمادهای اصیل هویتی، با بهره‌گیری از فن «المفارقة التصویریة»، ناهمگونی اوضاع برجسته گذشته عرب را با وضعیت امروز ترسیم می‌کند. ناسازواری تصویری یک راهکار هنری است که شاعر معاصر برای نشان دادن تناقض میان دو طرف مقابلی که بین آنها نوعی از ناسازگاری است، آن را به کار می‌بندد. (عشری زاید، ۲۰۰۲: ۱۳۰)

قبانی در این جلوه متناقض با به کارگیری اسلوب قصر این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که هر آنچه از هویت اصیل و نشانه‌های عظمت گذشته باقی مانده، فقط پوچی است:

بَحَثْتُ طَوِيلًا عَنِ الْمَتَنَّبِيِّ / فَلَمْ أَرْ مِنْ عِزَّةِ النَّفْسِ / إِلَّا الْغُبَارَ / بَحَثْتُ عَنِ الْكَبِيرِيَاءِ
طَوِيلًا / وَ لَكُنَّي لَمْ أَشَاهِدْ / بِعَصْرِ الْمَمَالِيكِ إِلَّا الصَّغَارَ ...^{۱۸} (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۶۰۸)

شاعر در سروده دیگری با استفاده از بار معنایی واژه «سرداب» به عنوان یک مکان بسته، با تداعی ساختن تصویر آن در ذهن، منتهای غربت هویت اعراب را نمایان می‌سازد که با تعبیری کنایی هویت آنان را خارج از این فضا نزد همگان هویتی ناشناخته می‌داند. مکان به شخصیت‌ها هویت می‌بخشد و بنابراین پیوند نزدیک و ارگانیکی بین شخصیت و مکان وجود دارد و رفتار، گرایش‌ها و حرکت شخصیت‌ها را مشخص می‌کند. (محمودی، ۲۰۲۰م: ۳۷) در انتها شاعر با استخدام تناس^{۱۹} قرآنی، یعنی با بهره‌گیری از قسمتی از آیه‌ای^{۲۰} از این کتاب مقدس در سروده خود که ویژگی‌های بهترین امت در آن ذکر شده است، آن را به شکل پرسشی درمی‌آورد که هدف آن ریشخند زدن به اعراب است و به مبتلا شدن هویت آنان به بحران اشاره می‌کند:

خُلَاصَةُ الْقَضِيَّةِ / نُوجَزُ فِي عِبَارَةٍ / لَقَدْ لَبَسْنَا قِشْرَةَ الْحَضَارَةِ / وَ الرُّوحُ جَاهِلِيَّةٌ ...
خَمْسَةُ آلَافِ سَنَةٍ .. / وَ نَحْنُ فِي السَّرْدَابِ .. / ذُقُونَا طَوِيلَةً .. / .. فَالْنَّاسُ يَجْهَلُونَكُمْ
.. / فِي خَارِجِ السَّرْدَابِ / النَّاسُ يَحْسَبُونَكُمْ / نُوعًا مِنَ الذَّنَابِ / .. هَلْ (نَحْنُ خَيْرُ أُمَّةٍ قَدْ
أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ؟) ...^{۲۱} (قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۴۸۷-۴۷۹)

شاعر در سروده‌ای دیگر مجموعه واژگانی را به کار می‌برد که بخشی از هویت قوم عرب است و این سمبل‌ها را با اسلوب نفی عموم می‌آورد و آهنگ آن دارد که عمق فاصله گرفتن اعراب را از هویت گذشته خود آشکار کند و دو تصویر را در مقابل هم بگذارد؛ نخست تصویری از هویت و نمادهای گذشته که هر یک بیانگر ویژگی خاصی بوده‌اند و سپس تصویر دوم یعنی هویت انسان جهان معاصر عرب که در پیش روی آن نمادها رنگ باخته و گرد بحران هویت بر چهره آن نشسته است. به تعبیر ویلیام هانوی، یکی از ایران شناسان و شرق شناسان، ما تا ندانیم که بودیم، نمی‌توانیم بدانیم که هستیم؛ یعنی شناخت هستی ما در گرو شناخت تاریخی ماست. (افروغ، ۱۳۸۷، ب: ۲۲)

لَا أَحَدٌ يَعْرِفُنَا فِي هَذِهِ الصَّحْرَاءِ / لَا نَخْلَةَ لَا نَأْفَةُ / لَا وَتَدُّ .. لَا حَجَرٌ ...^{۲۲}
(قبانی، ۱۹۹۹، ج ۶: ۱۰۴)

در صحنه دیگری شاعر با واژگون‌سازی هویت‌های تاریخی برخی قبایل عرب در بیانی کنایی نسبت به تغافل هم‌نسب‌های خود، فروپاشی مجد و عظمت قوم عربی را ترسیم می‌کند که اسرائیل به واسطه این شکاف و بحران هویت قومی که خود نزار آشکارا آن را به زبان می‌آورد، توانسته‌است به تاخت و ساز و سرکشی بپردازد. جایی که حتی شاعر به برخی از آنان که خموشی گزیدند و همساز با اندیشه صهیونیست‌ها گشتند، هویتی یهودی می‌بخشد:

نَحْنُ فِي غَيْبِيَّةٍ قَوْمِيَّةٍ / ... كَيْفَ إِسْرَائِيلُ لَا تَدْبَحُنَا؟ / .. وَ بَنُو تَعْلَبَ مَشْغُولُونَ فِي
نِسْوَانِهِمْ / .. وَ بَنُو مازَنَ مَشْغُولُونَ فِي غِلْمَانِهِمْ / .. مَا الَّذِي تَخْشَاهُ إِسْرَائِيلُ مِنْ
بَعْضِ الْعَرَبِ / بَعْدَمَا صَارُوا يَهُودًا ؟ ...^{۲۳} (قبانی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۲)

بنابراینچه به نگارش درآمد، اشعار نزار را باید به عنوان بازتاب شناخت وی از واقعیت تلخ موجود و شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی زمانه خویش تلقی کرد که بر جان انسان و جهان معاصر عرب چنبره انداخته و آنان را از «خویشتن» دور ساخته و در نهایت بحران هویت را در جام جان آنان ریخته‌است؛ اشعاری که در آن شاعر دغدغه خویش را برای احیای هویت تباه گشته اعراب با افشاندن ذائقه تلخی بیان می‌کند.

نتیجه گیری

هویت یکی از ارکان مهم شخصیت انسان و جامعه تلقی شده و جزء مؤلفه‌هایی است که در بُعد جامعه‌شناسی ادبیات تأثیرگذار است. در چند دهه اخیر نظر به وجود تحولات و رخدادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز نفوذ حکام ناشایست در بدنه حکومت برای تصدی مناصب مهم، زمینه‌های ایجاد بحران هویت در ابعاد مختلف آن به وجود آمده‌است. در سرزمین‌های عربی نیز به واسطه وجود

چنین صفات و شرایطی در بطن جامعه و حاکمیت، فرد و جامعه را با پدیده‌ای جامعه شناختی به نام بحران هویت مواجه ساخته است. در این میان، نزار قبانی شاعر دغدغه‌مند سوری به دلیل بر دوش کشیدن رسالت آگاهی‌بخشی به مردم نسبت به سرگذشت حادث شده و بیدار ساختن آنان، در چکامه‌های خود همواره به این مفهوم مهم پرداخته و دلایل ایجاد و تبعات آن را کاویده و برشمرده است. با بررسی اشعار و سروده‌های این شاعر سوری می‌توان بحران هویت را در بعد فردی و ملی - میهنی مشاهده نمود.

تقابل هویت شخصی با سلطه حکومت که نتیجه آن سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی و غالب شدن هویت برساخته مستبدان بر هویت فردی است که از دلایل مهم شکل‌گیری بحران هویت فردی می‌باشد که در منظومه شعری این شاعر پدیدار گشته است. به دنبال این بحران، شاعر هویت خود را در سرایش اشعاری قلمداد می‌کند که متجلی اندیش‌های وی برای احیای هویت عرب‌ها و نیل به شرایط مطلوب بوده است.

کوچک انگاری هویت ملی و قومی اعراب به دلیل تغافل سران ملت‌های عربی، تجاوز بیگانگان به حریم سرزمین‌های عربی و اشغال آنها و نیز ورود و ترویج فرهنگ غیر عربی به داخل آن کشورها، اضمحلال هیبت گذشته عرب‌ها را در پی داشته است که از جمله مثال‌هایی برای بعد ملی - قومی بحران هویت به شمار می‌رود.

نزار قبانی به کمک سروده‌های خود قصد و آهنگ آن را داشته تا افزون بر بیان دلایل ایجاد این بحران در میان عرب‌ها، به دنبال روشن ساختن ضمیر مردم و نیز بازگو کردن جلال، بزرگی و اهمیت نمادهای قومی که مظهر منزلت و هویت اصیل عرب‌هاست، باشد و به سوی تحقق آن گام بردارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. صدایت را بلند نکن! تو در امان خواهی بود و هرگز با اسلحه‌ای یا حاکمی خودرأی بحث نکن و بدون رنگ و بدون طعم و بدون نظر و بدون ماجرابی بزرگ باش! این همان قانون در مزرعه پرنندگان است.
۲. ترس پس و پیش ما را فرا گرفته بود و یک افسر را با مسلح پنج ستاره، ما را پشت سر خود می‌کشید؛ گویی که ما گوسفندانی هستیم، آدم‌کشی حرفه‌ای بود و ملت‌ی که همچون چارپایان سلاخی می‌شدند.
۳. عبارت است از پرسش گوینده به منظور تعجب یا تثبیت یا یادآوری یا توییح درباره آنچه که آن را می‌داند. (صفی‌الدین الحلّی، ۱۴۱۲ هـ: ۱۱۷)
۴. چگونه این عصر نامعقول را به تصویر کشم؟ توصیف را از یاد برده‌ام. چگونه درباره خودمان سخن بگوییم؟ ای محبوبه من! ما سرکوب را می‌خوریم، ما ترس را می‌نوشیم. عبور کردن از خیابان خرناک و سوار شدن بر آسانسور هراسناک است.
۵. ای مردم! من بر شما حاکم شده‌ام، بت‌های خود را پس از گمراهی بشکنید و مرا عبادت کنید و سکوت پیشه کنید هنگامی که با شما سخن می‌گویم، سخن من کلام قرآن است، از زمانی که به قدرت رسیده‌ام در حالی که کودک بودم، مشاور قصر به من (هرگز) نگفت، آنان به من آموختند که خودم را خداوندگاری بدانم و مردم را از ایوان قصر دانه‌ای ریگ بینم.
۶. ای سرورم! چه هنگام درمی‌یابی که من مانند یکی از محبوبه‌های تو نیستم؟ کی می‌فهمی که مرا به مقام و حکومت خود هرگز فریفته نخواهی کرد؟ هوای افکار من دور از فضاهای توست. چه هنگام انسانیت در سرشت تو بیدار می‌شود؟
۷. من شاعری کاشته شده مانند نیزه در روزگار عربی هستم. من خون او را می‌ریزم و او خون مرا، من در تلاش هستم تا آهنگ آن را تغییر دهم و او تلاش می‌کند تا صدای مرا دگرگون سازد، من تلاش می‌کنم تا آن را رسوا کنم و او در تکاپوی این است تا گلوی مرا پاره کند، من سعی می‌کنم او را به چالش کشم و او در کوشش است تا به من رشوه دهد.
۸. آن است که گوینده از یک چیز، چیز دیگری را به منظور علت بلاغی در آن شیء، جدا کند و آن چیز جدا شده ممکن است خود متکلم باشد همان‌گونه که امکان دارد شخص دیگری باشد. (الفرج، ۱۳۷۹: ۳۲۷)

۹. دوات و ورقه‌های مرا دزدیدند و آتشی که در اندیشه من است را نذر دیدند. من در حافظه مردم ساکن هستم. آه چقدر آنان نادان هستند، هنگامی که پنداشتند شعر را می‌کشند، اگر مرا بکشند! پس اطمینان پیدا کردم که من شاعری هستم که حکومت را می‌ترساند. آنان می‌دانند که شعر نزد من، هنر بزرگان است.

۱۰. شعر من یک بازی بیهوده نبود، من شعر می‌سرایم تا بدانم چه کسی هستم. شعر هر رؤیایی را ممکن می‌سازد. ای سرورانم: با عصری جنگیدم که زشتی آن بی‌مانند است. ای سرورانم: معذرت می‌خواهم اگر شما را نگران کردم، این من هستم.

۱۱. سرزمینی که هیچ حکیم و پیامبر و کتابی در آن نیست. در آن مردم شکل مگس پیدا می‌کنند. با شعر تلاش می‌کنم این عصر واپس مانده را به پایان برسانم تا عصر جدیدی را بنیانگذاری کنم. با کمک شعر در پی شکافتن یک عصر و تغییر وجود هستم.

۱۲. شهروندانی بدون وطن، تعقیب کنندگانی مانند گنجشکان بر روی نقشه‌های زمان، به دنبال قبیله‌ای هستیم تا ما را بپذیرد و به دنبال مسکنی هستیم و پیرامون ما فرزندان ما هستند و آن‌ها در فرهنگ‌های لغت قدیمی به دنبال بهشتی خرم هستند که وطن نامیده می‌شود. هیچ کس ما را نمی‌خواهد. ما مسافرانی خارج از زمان و مکان هستیم که بهره‌های خود را تباه و فرزندان خود را گم و نام‌ها و گرایش خود را تباه کردند.

۱۳. برای کودکان می‌نویسم، طاعون و یهود، آنان مخلوطی از پسمانده ملت‌ها بودند، به سوی وطن کوچک ما آمدند، خاک ما را آلوده کردند و زنان ما را از بین بردند و همواره سازمان ملل در جستجوی آزادی ملت‌هاست، پس کودکان باید بدانند حکایت سرزمینی را که بزرگان آن را نابود ساختند و در پدر من عظمت خاک شعله‌ور شد. در میان آنان فریاد زد: بروید به جهنم، ای نژاد سگان! هرگز سرزمین مرا سلب نخواهید کرد. پس کودکان باید بدانند ارزش خاک چیست، زیرا در انتظار آنان جنگ خاک است.

۱۴. غرناطه برای پنجاهمین بار از دستان عرب سقوط کرد، تاریخ از دستان عرب سقوط کرد. حطین بدون جنگ سقوط کرد، عموریه سقوط کرد. قوطی‌ای سردین در دستان ما باقی گذاشتند که «غزه» و استخوان خشکی که «أریحا» نامیده می‌شود، هتلی که فلسطین نامیده می‌شود. بعد از پنجاه سال، الان بر روی زمین ویرانی می‌نشینیم. پناهگاهی نداریم مانند هزاران سگ. بعد از پنجاه سال، وطنی جز تصویری موهوم پیدا نکردیم تا در آن سکونت یابیم.

۱۵. بیست سال است که من در جستجوی سرزمینی و هویتی هستم، به دنبال خانه‌ام هستم که در آنجا قرار دارد و در پی وطنی هستم که با خارها محاصره شده‌است.
۱۶. هرگز ملت ما را مردم سرخپوست قرار نخواهید داد، ما در اینجا باقی هستیم، این سرزمین ماست، ما در تاریخ آن ریشه گسترانده‌ایم، ما در همه فرودگاه‌ها و کارت‌های سفر هستیم و در قرآن کریم آمده‌است: که شما از مصر خارج می‌شوید. بر آنچه خداوند بلندمرتبه فرموده‌است دو سطر دیگر می‌افزاییم: «و از بلندی‌های جولان و کرانه‌های اردن خارج می‌شوید.»
۱۷. میلیون‌ها انسانی که پابرنه می‌دوند، میلیون‌ها انسانی که نان را فقط در خیال خود می‌بایند و میلیون‌ها انسانی که در شب ساکن خانه‌هایی آکنده از سرفه هستند، هرگز شکل دوا را نمی‌دانند.
۱۸. دیرزمانی است به جستجوی متنّی پرداخته‌ام؛ اما از عزت نفس فقط غبار را یافتیم. مدت زمان طولانی به دنبال بزرگی گشتم؛ اما در روزگار ممالیک فقط انسان‌های کوچک را دیدم.
۱۹. این اصطلاح به جولیا کریستیفا J.Kristeva برمی‌گردد که آن را از باختین Bakhtine الهام گرفته‌است تا بیان کند هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است. (زیتونی، ۲۰۰۲م: ۶۳)
۲۰. (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ) (آل عمران، ۱۱۰)
۲۱. خلاصه داستان در یک عبارت جمع می‌شود: ما پوسته تمدن را برتن کرده‌ایم، در حالی که روح جاهل است. پنج هزار سال است و ما در زیرزمین هستیم، چانه‌های ما دراز است. مردم شما را در خارج از سرداب نمی‌شناسند، مردم شما را نوعی از گرگ‌ها می‌پندارند. آیا ما بهترین امتی هستیم که برای مردم پدیدار گشته‌است؟
۲۲. هیچ کسی ما را در این بیابان نمی‌شناسد، نه نخلی نه شتری، نه میخ چادری نه سنگی.
۲۳. ما در یک بیهوشی قومی به سر می‌بریم، چگونه اسرائیل سر از تن ما جدا نکند؟ در حالی که بنی تغلب مشغول زنان خود و بنی مازن سرگرم غلامان خود هستند. اسرائیل از برخی عرب‌ها چه هراسی دارد وقتی که آنان یهودی شده‌اند؟

منابع و مآخذ

- قرآن کریم

- احمدی، حمید (۱۳۸۳)، ایران: هویت، ملیت، قومیت، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی و دو مقاله از: گرادو نیولی و شاپور شهبازی، ترجمه و تدوین حمید احمدی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷)، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- بهروزی، مجتبی، علی اصغر حبیبی و علی اکبر احمدی چناری (۱۳۹۷)، «دگردیسی نماد در اشعار سیاسی نزار قبانی»، ادب عربی، سال ۱۰، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- حسینی، شکوه‌السادات (۱۳۹۴)، «فراخوانی متنبی در شعر معاصر عربی»، پایگاه اطلاع‌رسانی شهر کتاب.
<http://www.bookcity.org/detail/5966/root/papers>
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰)، زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، تهران: مرکز بازنشانی اسلام و ایران.
- روحانی، سید علی (۱۳۹۸)، «رابطه میان هویت مقاومت و قدرت نرم (مطالعه موردی سینمای فلسطین)»، فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری، سال سیزدهم، صص ۵۸-۳۵.
- زیتونی، لطیف (۲۰۰۲م)، معجم مصطلحات نقد الروایة، الطبعة الأولى، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.
- صفی‌الدین الحلّی، عبد‌العزیز بن سراپا (۵۱۴۱۲هـ)، شرح الکافیة البدیعیة فی علوم البلاغة و محاسن البدیع، الطبعة الثانية، بیروت: دار صادر.
- الطائی، علی (۱۳۸۲)، بحران هویت قومی در ایران، چاپ دوم، تهران: شادگان.
- عشری زاید، علی (۲۰۰۲م)، عن بناء القصيدة العربية الحديثة، الطبعة الرابعة، القاهرة: مکتبة ابن سینا.
- الفرج، علی (۱۳۷۹)، تکوین البلاغة قراءة جديدة... و منهج مقترح، الطبعة الأولى، قم: دار المصطفی لإحياء التراث.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۰)، رؤیا و کابوس، تهران: دیدآور.
- قبانی، نزار (د.ت)، الأعمال الشعرية الكاملة، الجزء الأول، بیروت: منشورات نزار قبانی.
- (د.ت)، الأعمال السياسية الكاملة، الجزء الثالث، بیروت: منشورات نزار قبانی.

- (۱۹۹۳)، الأعمال الثرية الكاملة، الجزء الثامن، الطبعة الأولى، بيروت: منشورات نزار قبانی.
- (۱۹۹۹)، الأعمال السياسية الكاملة، الجزء السادس، الطبعة الثانية، بيروت: منشورات نزار قبانی.
- (۱۳۸۶)، چه کسی معلم تاریخ را کشت؟، ترجمه مهدی سرحدی، چاپ اول، تهران: کلیدر.
- (۱۳۵۶)، داستان من و شعر، ترجمه غلامحسین یوسفی و یوسف حسین بکار، تهران: توس.
- کچویان، حسین (۱۳۸۶)، تطورات گفتمان‌های هویت ایران، ایرانی در کشاکش با تجدد و ما بعد تجدد، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- (۱۳۹۲)، هویت ما، چاپ دوم، قم: کتاب فردا.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴)، گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- لیلی، تقاز و تقاز نبیله (۲۰۱۹)، المكان فی شعر فدوی طوقان دیوان "اللیل و الفرسان" أنموذجاً، رسالة الماجستير، كلية الآداب و اللغات، جامعة محمد بوضیاف المسيلة.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، دموکراسی و هویت ایرانی: بحثی در ژئوپلتیک و جغرافیای سیاسی ایران و ایران شناسی، تهران: کویر.
- محسنی، علی اکبر (۱۳۹۲)، «پیامدهای استبداد از منظر شعر نزار قبانی»، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال چهارم، صص ۱۶۵-۱۵۰.
- محمودی، سارة (۲۰۲۰)، جمالية المكان فی رواية "حائط المبكى" لـ عزالدين جلاوجي، رسالة الماجستير تحت اشراف عيسى طيبي، جامعة ألكلي محند أولحاج البويرة.
- مرتضی حسین علی، حسن (۲۰۱۶)، «جماليات المكان فی الشعر العراقي الحديث "سعدی یوسف أنموذجاً"»، رسالة الماجستير فی اللغة العربية و آدابها تحت اشراف محمد عزالدين المناصرة، كلية الآداب و الفنون: جامعة فيلادلفيا.
- مورن، ادگار (۱۳۸۴)، هویت انسانی، ترجمه امیر نیک‌پی و فائزه محمدی، چاپ سوم، تهران: قصیده سرا.
- نجفی، موسی (۱۳۸۶)، ساحت معنوی هویت ملی ایرانیان، چاپ دوم، قم: دفتر نشر معارف.
- نجفی، موسی و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)، هویت ملی ایرانیان و جمعی از نویسندگان، چاپ اول، تهران: زمان نو.

References

- Ahmadi, Hamid (2004), Iran: Identity, Nationality, Ethnicity, Tehran: Institute for Research and Development of Humanities.
- Ashraf, Ahmad (2016), Iranian Identity from Antiquity to the End of Pahlavi and two articles by: Gerardo Nioli and Shapoor Shahbazi, translated and edited by Hamid Ahmadi, fourth edition, Tehran: Ney Publishing.
- Afrough, Emad (2008), Iranian Identity and Cultural Law, Tehran: Surah Mehr Publishing Company.
- Behrozi, Mojtaba, Ali Asghar Habibi and Ali Akbar Ahmadi Chenari (2018), "Symbol Transformation in Nizar Qabbani's Political Poems", Arabic Literature, Vol. 10, pp. 101-121.
- Hosseini, Shokooh Al-Sadat (2015), "Mutnabi Call in Contemporary Arabic Poetry". Book City Information Database.
- <http://www.bookcity.org/detail/5966/root/papers>
- Ravasani, Shapoor (2001), Social Contexts of National Identity, Tehran: Islamic and Iranian Resettlement Center.
- Rouhani, Seyyed Ali (2019), "The relationship between the identity of resistance and soft power (a case study of Palestinian cinema)", Scientific Quarterly Periodical of Visual and Audio Media, Year 13, pp. 35-58.
- Zaytouni, Latif (2002), Dictionary of Narrative Criticism Terms, First Edition, Beirut: Publishing of Lebanese Nasheroun.
- Safi al-Din al-Hali, Abd al-'Aziz ibn Saraya (1992), The description of al-Kafiya al-Badi'iyyah in the sciences of rhetoric and the benefits of al-Badi'ah, second edition, Beirut: Dar Sader.
- Al-Taie, Ali (2004), The Crisis of Ethnic Identity in Iran, Second Edition, Tehran: Shadegan.
- Ashri Zayed, Ali (2002), The Structure of Poetic Language in Contemporary Arabic, the fourth edition, Cairo: Ibn Sina Publishing.
- Al-Faraj, Ali (2000), Takwin Al-Balaghat, a novel approach... Suggested Method, Qom: Dar Al-Mustafa for the Revival of Heritage.
- Farzad, Abdolhossein (2001), Dream and Nightmare, Tehran: Didavar.
- Qabbani, Nizar (ND), The Emotional Poems, Part One, Beirut: Nizar Qabani Publications.

- ----- (ND), The Political Poems, the third part, Beirut: Nizar Qabbani Publications.
- ----- (1993), The Complete prose works, the eighth part, first edition, Beirut: Nizar Qabbani Publications.
- ----- (1999), The Political Poems, The sixth Part, Second Edition, Beirut: Nizar Qabbani Publications.
- ----- (2007), Who Killed the History Teacher?, translated by Mehdi Sarhadi, first edition, Tehran: Klidar.
- ----- (1977), My Story with Poetry - "An Autobiography", translated by Gholam Hossein Yousefi and Yousef Hossein Bakar, Tehran: Toos.
- Kachoyan, Hossein (2007), The Evolution of Iranian Identity Discourses, Iranians in Struggle with Modernity and After Modernity, Second Edition, Tehran: Ney Publishing.
- ----- (2013), Our Identity, Second Edition, Qom: Ketab-e-Farda.
- Goodarzi, Hossein (2005), Discourses on the Sociology of Identity in Iran, Tehran: Institute of National Studies, Iranian Civilization.
- Golmohammadi, Ahmad (2002), Globalization, Culture, Identity, Tehran: Ney Publishing.
- Lily, Niqaz and Niqaz Nabilah (2019), The place in the poetry of Fadwa Tuqan, The case study: The poetry divan of the Night and the Knights, The thesis of the master, Faculty of Literature and Languages, University Mohamed Boudiaf-M'sila.
- Mojtahedzadeh, Pirooz (2007), Democracy and Iranian Identity: A Discussion on Geopolitics and Political Geography of Iran and Iranology, Tehran: Kavir.
- Mohseni, Ali Akbar (2013), "Consequences of tyranny from the perspective of Nizar Qabbani's poetry", Lisan Mobin Quarterly Periodical (Research in Arabic Literature), Fourth Year, pp. 150-165.
- Mahmoudi, Sarah (2020). The Aesthetics of the place in the narration of "Hait al-Mubaki" by Izz al-Din Jalawji, The thesis of the master under the supervision of Isa Tabibi.
- Morteza Hussein Ali, Hassan (2016), "The Aesthetics of space in Modern Iraqi poetry: The Case of Saadi Yousef, Master's thesis in Arabic language and literature under the supervision of Muhammad Ezzedine Al-Manasra, Faculty of Literature and Arts: University of Philadelphia.

- Moran, Edgar (2005), Human Identity, translated by Amir Nikpey and Faezeh Mohammadi, third edition, Tehran: Qaside Sora.
- Najafi, Musa (2007), The Spiritual Field of Iranian National Identity, Second Edition, Qom: Maaref Publishing.
- Najafi, Musa and a Group of Writers (2010), The National Identity of Iranians and a Group of Writers, Firs Edition, Tehran: Zaman-e-No.

Abstract**Analysis of Nizar Qabbani's Odes in the Light of Identity Crisis**

Ezzat Molla Ebrahimi*

Mojtaba Salmannia**

Meisam Karami Enayat***

Identity is a personal and mental idea that a person presents in response to the "who and what" question of their life. In the context of society, this concept makes the individual think about knowing their personality and leads them to display a representation of the quality and quantity of their intelligence, actions, and behavior. It causes man to better understand different conditions by being influenced by their and society's mental and psychological issues. In the first place, identity is considered one of the most basic cultural-personality themes that, regarding its different types, can be harmed and cause crises for the individual and the society. In contemporary Arab world, crucial events and changes have raised several conflicts in Arab identity, resulting in undesirable harms and consequences such as identity crisis for Arab individuals. As one of the most prominent Arab poets, Nizar Qabbani has widely focused on identity crisis in his poetry. The significance of this study was identifying the factors in Qabbani's thought which have set the stage for exploring identity crisis, the perplexity of human and the Arab world, and their helplessness and contempt in the world. In this regard, this descriptive-analytical study aimed to examine the different aspects of identity crisis (individual and national-ethnic) in Qabbani's poetry and view. The research findings reveal that: 1. the chaotic and tense political, social, and cultural atmosphere, 2. the incompatibility between the interests of the ruling system and the individual is one of the important factors in the formation of a personal identity crisis. 3. Besides the Arabs' suffering from a personal identity crisis, Nizar presents his poem as his identity through which he seeks to revive the original identity of the Arabs. 4. The incompetence, passivity, and inefficiency of the Arab leaders; 5. Being defeated by Israel, the occupation of some lands of Arab countries, and the intrusion of foreigners into those lands; 6. The economic problems are among the factors contributing to the national identity crisis; and 7. The disintegration, wandering and losing the past glory of the Arabs and their ethnic symbols play an essential role in creating the ethnic identity crisis in this poet's poems.

Keywords: Identity Crisis, Contemporary Arab World, Conflict, Selfalienation, Nizar Qabbani.

* Professor of Tehran university

mebrahim@ut.ac.ir

** Master of Arabic language and literature of Tehran university

salmanniamojtaba@ut.ac.ir

*** Graduate of Arabic language and literature of Tehran university

meisamkarami.76@ut.ac.ir